

فرداهای سخت اسرائیل

تصاویری که ابعاد ویرانی‌ها و تعداد قربانیان غیر نظامی فلسطینی را نشان می‌دهد، به زودی دور دنیا خواهد گشت. اینجا ست که روزنامه اسرائیلی یدیعوت آهارونوت هراس از این دارد که دولت یهود بر صندلی اتهام بنشیند.

«باید این اجساد به خاک اسرائیل منتقل شوند. اگر اسرائیل راهی برای دفن آبرومندانه آن‌ها نیابد، این اجساد ما را دفن خواهند کرد.»

از آغاز عملیات موسوم به «دیوار حفاظت»، اکثریت بزرگی از افکار عمومی اسرائیل که از افزایش سوء قصدهای انتحاری خشمگین اند از تصمیم آریل شارون، در یورش به سرزمین‌های اشغالی جهت «از بین بردن زیربنای تروریسم» استقبال می‌کنند.

شهروندان بسیاری در یک جنب و جوش وسیع میهن پرستانه، داوطلب پیوستن به واحدهای ذخیره ارتش یا «کمک» به هر طریق ممکن به پیروزی عملیات نظامی شدند. رسانه‌های رادیو - تلویزیونی و روزنامه‌های طرفدار، برای انعکاس این حرکت و حتی قبل از آن، در یک رقابت میهن پرستانه و بدون هیچ اعتراضی، تصمیمات ارتش را پذیرفتند که شهرهای محاصره شده به عنوان «مناطق نظامی بسته» اعلام شود و خبرنگاران و دوربین‌های تلویزیونی از آنان دور باشند. سه شنبه ۹ آوریل، وقوع سه حادثه جهت باد را تغییر داد: ابتدا شدت استثنائی ضربات وارده بر اردوگاه پناهندگان در جنین، سپس مرگ ۱۳ ارتشی ذخیره در یک حمله غافلگیرانه و بالاخره اینکه همان شب و برای نخستین بار، تلویزیون تصاویر وحشتناک ویرانی‌های شهر نابلس را در معرض دید همگان قرار داد.

چهارشنبه صبح، و باز برای نخستین بار، سرمقاله نویسان روزنامه یدیعوت آهارونوت نگرانی‌هایی ابراز کردند. از جمله آلکس فیشمن، کارشناس امور نظامی روزنامه، با نگرانی از سفر وزیر خارجه آمریکا که قرار بود پنجشنبه وارد اسرائیل شود نوشت: «[نگرانم] که کولین پاول با چک‌های سفیدی که عرفات پخش خواهد کرد و اسطوره جدید جنین گراد [توجه شود به مقایسه پر معنای اردوگاه پناهندگان جنین با لنین گراد] ما را تنها گذاشته برگردد. در روزهای آینده، به محض اینکه تصویرهای ویرانی اردوگاه پناهندگان در سراسر جهان پخش شود، این اسطوره برای ما گران تمام خواهد شد.

واقعه کابوس مانند

سیما کادمون سرمقاله نویسی سیاسی صریح‌تر از او ست: «وقتی ما مشغول شمارش کشته‌هایمان هستیم، فلسطینی‌ها تصاویر کشته‌های خودشان را نشان خواهند داد و اگر تا کنون ما فقط خبر پیروزی‌های بزرگ را شنیده‌ایم، پس از این، اخبار خطاها و خطب را خواهیم شنید». وی ادامه می‌دهد: «احساس دردناک در برابر تعداد کشته‌ها، عکس‌های هوایی اردوگاه‌های پناهندگان مملو از سکنه [که بمباران شده‌اند] تصاویر و گزارش‌هایی که در روزهای آینده خواهیم دید ما رابه دوره دیگری برخواهند گرداند» کدام دوره؟ دوره لبنان سال ۱۹۸۲، «جنگ» قبلی که سرفرمانده اش ژنرال شارون بود.

لبنان خاطره کابوس کشتار اردوگاه‌های فلسطینی صبرا و شاتیللا به دست شبه نظامیان مسیحی و متحدین دولت یهود نیز هست که سرمقاله نویسی دیگر این روزنامه، ناهوم بارنتا، را منقلب می‌سازد:

«هنگامی که ارتش از شهرها خارج شود فلسطینی ها خواهند کوشید که اسرائیل بهای آن را بپردازد. نویسنده پیش بینی می کند که «اسرائیلی ها قصد دارند با جمع کردن اجساد کشته هاشان و دفن آنان در گورهای دستجمعی. آنان را قربانیان کشتار عام از نوع صبرا و شاتیلا معرفی کنند. چشم آنان به سوی جنین دوخته شده است. آن ها اطمینان دارند که در آنجا و در برابر دوربین های تلویزیون، صدها جسد خواهند یافت و اسرائیل در تمام دنیا به عنوان جنایتکار، جنگی نظیر صربی ها در بوسنی، معرفی خواهد شد» آقای بارنئا توضیح می دهد که «مقامات نظامی هنوز به بحث در باره این مسأله نگران کننده نپرداخته اند» و نتیجه می گیرد که «**باید این اجساد به خاک اسرائیل منتقل شوند. اگر اسرائیل راهی برای دفن آبرومدانه آن ها نیابد این اجساد ما را دفن خواهند کرد.**»

سیلون سیپل، لوموند ۱۲ آوریل ۲۰۰۲

کلود لوفور Claude Lefort در لوموند ۱۸ آوریل از جمله می نویسد:

«در جنین، طرح نابودی شبکه های تروریستی به ویرانی شهر انجامیده است، و شماری هنوز نامعلوم، اما مهم، از اهالی شهر کشتار شده اند. طبق اطلاعاتی که روزنامه اسرائیلی ها آرتز انتشار داده، ارتش در پی زیاده روی هایی که رخ داده، در نظر دارد، چه از نظر بهداشتی و چه از نظر جلوگیری از استفاده تبلیغاتی فلسطینی ها [علیه اسرائیل]، اجساد را در یک گور دستجمعی در دره اردن دفن کند (یعنی در واقع برای آنکه تعداد آن ها و مشخصاتشان به عنوان غیر نظامی از دید عموم مخفی بماند). مسأله هنوز محقق و مسلم نشده است. ارتش این خبر را ابتدا تکذیب کرد، سپس پرونده ای که بنا به تصمیم دادگاه عالی اسرائیل گشوده شده بود فوراً بسته شد؛ ولی همین امر که دادگاه قصد مخفی کردن اجساد قربانیان را محتمل و مقبول تلقی کرده به حد کافی نشان دهنده انحطاط اخلاقی ست. بگذریم که با انبوه دلایل و شهادت ها فرضیه فوق هرچه محتمل تر و مقبول تر می گردد.»

بدینها می توان گواهی های مستقیم زنانی را افزود که پیش چشمشان افراد خانواده شان را کشته اند و بازماندگان را تحقیر کرده اند، یا پزشکی که با دستیاران اش در بیمارستان محبوس مانده اند و اجازه نداشته اند زخمی ها را که پیش چشمشان در کوچه افتاده بوده مداوا نمایند و یا گواهی های غیرمستقیم، مثلاً آنجا که از رفتن نماینده صلیب سرخ بین المللی به جنین ممانعت نموده اند مبادا دنیا از آنچه گذشته باخبر شود.

«جالب توجه اینکه درست وقتی يك دادگاه بین المللی دارد شکل رسمی به خود می گیرد، يك ارتش به دستور دولت، قراردادهای پذیرفته شده جهانی را زیر پا می گذارد و کار را به جایی می کشاند که حتی از حرکت آمبولانس ها جلوگیری می کند... شارون کشور خود را فوق قانون قرار داده است.» ...